ماهنامه شماره یک

رو درآتک

نشریه فرهنگی -بلوچی دانشگاه ولایت ایرانشهر

چرا رو درآتک ؟

آبشار اوگینک | باگین بشگرد | معادل بلوچی ماه های سال

خرب المثل بلوچی | انواع خوراک خرما در بلوچستان | تاریخچه زبان بلوچی

رو درآتک

نشریه فرهنگی -بلوچی دانشگاه ولایت ایرانشهر



رودخانه سرباز (باهوکلات، مَزَن‌کَور)



شناسنامه اثر

صاحب امتیاز: معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه ولایت
مدیر مسئول: نگین رئیسی
سردبیر: سعید سهرابی

هیئت تحریریه:

نرجس جهانتیغ — عبدالوهاب بامری — زینب قادری — سعید سهرابی — نگین رئیسی

زینب کلکلی — نازنین شیرانی — حسین مرادی — محبوبه اثرکار — م اسماعیل دامنی

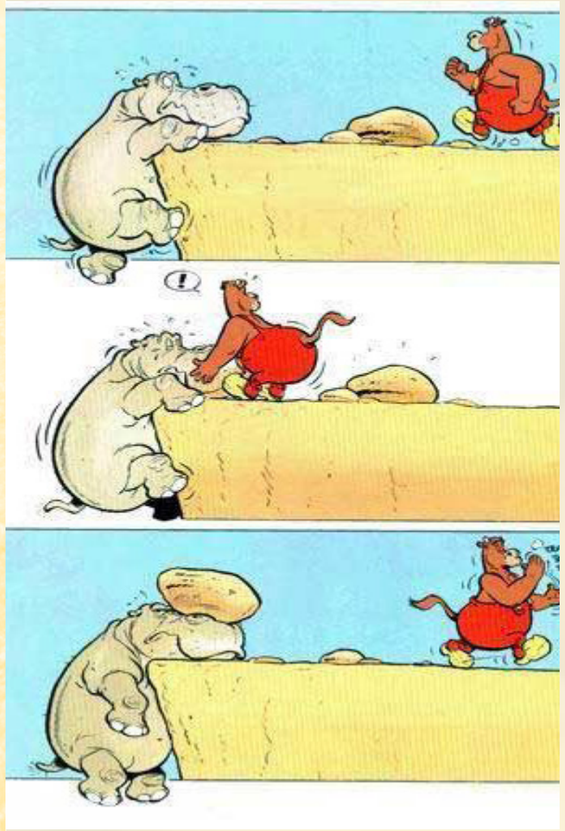
طراحی لوگو: سحر اکبری
طراحی جلد: امیرمحمد حیدری‌نیا

صفحه آرائی: عبدالکریم درزاده



ضرب المثل‌های بلوچی

بَتَل(ضرب المثل): بخش مهمی از ادبیات بلوچی را ضرب المثل‌های این قوم تشکیل می دهند مانند ضرب المثل‌های بقیه اقوام دیگراین ضرب المثل ها هم بیشتر شامل آموزه های اخلاقی.. بنیان آنها براساس داستانها، فرهنگ عامه، گفته های بزرگان و یا شاعران معروف است که کوتاه شده و رواج یافته آمد. پند و اندرز، و هشدار هستند. تاکنون در حدود ۵۰۰۰ ضرب المثل در زبان این قوم شناسایی شده و به ثبت رسیده است. برای نمونه ضرب المثل‌های بلوچی به همراه (ترجمه فارسی آنها در اینجا ارائه می‌گرد. (موسی محمود زهی۱۴۰۰:۱۶۶



مالت وتیگ باتنئ مردمانیگ/دوْست اِت دلیگ باتنئ سرزبانیگ

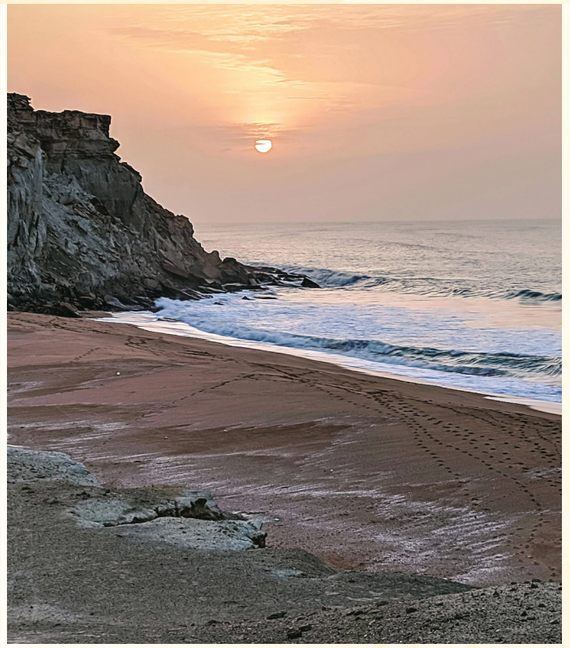
Mâlet wating bât nay mardomânig /dŌstet delig bât nay sat zobânig

ترجمه روان: ثروت خوب، ثروتی است که متعلق به خودت باشد، دوست خوب، کسی است که تو را از ته دل دوست داشته باشد. ترجمه تحت الفظی: دارای(مال) خوب است که از خودت باشد نه از بقیه، (ارتباط (دوستی)، خوب هست که از صمیم قلب باشد نه ظاهری. ((رسول بخش کشاور،۱۳۹۳:۳۲۸

شپچلتُک پیما، پیسر، وتا پُٹ مکن

.ŠapČalatoke paymâ, pēsar watâ pot makon

ترجمه روان: مانند خفاش پرهایت را زودتر از دیگر پرندگان مکن. ترجمه تحت اللفظی: مصداق: اهمیت صبور بودن داستانی نقل کرده اند که حضرت سلیمان تصمیم گرفت تا از پر پرندگان قصری بسازد از پرندگان خواست تا نزد او بیایند، اولین پرنده ای که خود را رساند، خفاش بود. خفاش با عجله درخواست کرد که پرهای بدنش را بکنند تا به راه خود ادامه بدهد و این کار انجام شد.وقتی که نوبت دیگر پرندگان رسید، یکی از پرندگان به حضرت سلیمان گفت: قصری که از پر پرندگان ساخته شود مقاومت چندانی نخواهد داشت، و با این پیشنهاد، حضرت از تصمیم خود منصرف شد و پر دیگر پرندگان بر جای ماند، ولی خفاش عجول بی‌پر شد.



دست به قلم شده‌ام که برای خوانندگان این نشریه، سخن مدیرمسئول بنویسم.

همچنین در پایان تشکر میکنم از ریاست محترم دانشگاه ولایت آقای دکتر نجفی آشتیانی، معاون محترم امور فرهنگی و اجتماعی حاج آقا محمدی سلیمانی مدیرامور فرهنگی آقای دکتر عدیلی، دکتر محمودزهی، دکتر سپاهی،

این واژه برای من فقط یک لغت در معنای طلوع خورشید نیست، بلکه یادآور روزهایی‌ست که نور نبود و تاریکی کل زندگی من رو به خود آغشته کرده بود

کارشناس نشریات خانم ایرندگانی، سردبیر نشریه آقای سهرابی و همه‌ی دوستان و عزیزانی که دغدغه‌مندانه و صمیمانه در این امر ما را حمایت و همراهی کردند که بتوانیم در جهت گسترش زبان بلوچی و فرهنگ این استان اتفاقی نو دراَندازیم.

نگین رئیسی

مدیر مسئول نشریه رودرآتک

روَدَرآتک یک واژه محلی بلوچی است در مفهوم طلوع خورشید که شامل دو واژه مجزا؛ رو + درآتک است، روْ یا روچ در معنای فارسی خورشید و دَرآتک یا دَرهت، در معنای بیرون آمدن و طلوع کردن می‌باشد.

این واژه برای من فقط یک لغت در معنای طلوع خورشید نیست، بلکه یادآور روزهایی‌ست که نور نبود و تاریکی کل زندگی من رو به خود آغشته کرده بود.

در آن دوران احساس پیله‌ای را داشتم که برای زیبا شدن باید پروانه می‌شد و سپس برای مبدل به پروانه شدن باید درد را متحمل می‌شد، و من برای اعمال استقلال و ساخت قالب زندگی خود به آن طرح و شکلی که دوست داشتم باید این درد را دچار می‌شدم.

روَدَرآتک در مفهوم «نور به میانِ تاریکی‌ها» با هدف آغاز یک زندگی و یک انسان جدید عنوان کتاب من شد و همچنین به هر آنچه که درد نام داشت در من خاتمه داد.

قصه‌ی چطور نویسنده شدنم پیچیده است، که می‌توان گفت؛ ماقبل اینکه کتاب بنویسم، سطح دانش و سواد من در عرصه‌ی نویسندگی به اندازه‌ای بود که روَدَرآتک اولین کتاب غیر درسی بود که من مطالعه کردم و اتفاق نویسندگی من در ابتدا صرفا با یک هدف اقتصادی و نیاز مالی بر اساس ته مانده‌ای استعدادِ نوشتن، رقم خورد و در ادامه‌ی این اتفاق کاغذ و قلم برای من به یک احساس خوب جهت رهایی از غصه‌ی روزگار و تزریق آرامش تبدیل شد.

در این راستا لازم به ذکر است که نهایت تشکر و سپاس را داشته باشم از محضر مادر جانَم که علاوه بر یک مادر، حامی و رفیق من بود و سپس استاد بزرگوارم آقای ناروئی که مشوق من برای شکوفایی این استعداد شدند و بر سر لطف حمایت‌ها و راهنمایی‌های این دو عزیز، توفیق آن را پیدا کردم که اکنون در جایگاه مدیر مسئول اولین نشریه‌ی فرهنگی_بلوچی دانشگاه ولایت با عنوان روَدَرآتک



این رشته دارند فقط باید تحمل و صبرشون زیاد باشه

از مشکلات و موانع که سر راهتون بوده و هست بگین!؟

من الان برای مسابقات پیش روم فقط ۵۷ میلیون پول دوره من شده بدون حساب تغذیه(غذا).

حالا خودت ورزشکاری دیگه ،از یک سال گذشته که برای مسابقات امارات میخواستیم بریم که پاسپورتمون گم شد و موفق به شرکت نشدم تا الان ۱۱۴ میلیون خرج شده کسی که مارو حمایت نمی کنه حداقل این مدارک مارو زودتر بیارن بدن ازشون مچکر می شیم.

حرفی نصیحتی و یا حرف اخرتون؟

نصیحت من اینه که انسان نباید فقط تو ورزش با اخلاق باش باید خارج از ورزش هم خوب باشه خارج از ورزش از نظر من از همه چی مهم تره یعنی رفتار و کردار آدم باید بیرون بهتر از داخل باشه ورزش گاهی انقد آدمو میره بالا که آدمو غرور میده وهمه چی نابود میکنه گاهی هم انقد به آدم حال میده که آدمو جلو همه سربلند میکنه فقط نصیحتم اینه که سالم باشید و سالم زندگی کنید.

اینجا در بلوچستان و بخصوص ایرانشهر استعداد های نابی وجود دارند که بدلیل مشکلات اقتصادی نبود زیربنا و امکانات لازم و البته محرومیت این استان مجبور به ترک استعداد و علاقه خودشون می شوند.

اینجا نه تنها در حوضه ورزشی بلکه در تمام عرصه های فرهنگی ، ورزشی ،هنری ، موسیقی و علمی استعداد های درخشانی وجود داشته و داره که اکثرشون بخاطر نبود بستر و امکانات استعداد شون رو ب فراموشی سپردند.

استعداد های امثال محمد رضا تازه رو باید بیشتر از الان حمایت بشه تا برای این اب و خاک موفقیت های بزرگی به ارمغان بیارند و مایه افتخار این شهر و کشور بشوند.

امید است که نگاه ویژه تری به این استان بشه و از استعداد ها و نخبه های استان حمایت بشه و از استعدادشون محافظت و نگه داری بشه و بستری برای رشد این استعداد برای آنها فراهم بشه.

فهرست مطالب

سخن سردبیر ۴

معادل بلوچی ماه‌های سال و روزهای هفته ۵

باگین بشکرد ۶

انواع نان در بلوچستان ۸

معرفی‌نامه محمد دین دشتی ۱۰

آبشار اوگینک ۱۱

آداب و رسوم ازدواج در بلوچستان ۱۲

تاریخچه زبان بلوچی ۱۶

قلعه ناصری ایرانشهر ۱۷

شهرستان سرباز جغرافیائ زیست محیطی هالَتسای ۱۸

موقعیت جغرافیایی و زیست محیطی شهرستان سرباز ۱۹

انواع خوراک خرما ۲۰

مصاحبه با محمدرضا تازه‌رو ۲۲

ضرب‌المثل‌های بلوچی ۲۴



مصاحبه با محمدرضا تازه‌رو

محمد اسماعیل دامنی

سلام و درود و درهبات در خدمت قهرمان کشور و از ورزشکاران با اخلاق ایرانشهر هستیم .

خودتون رو معرفی کنید و از رشته ایی که در اون فعالیت دارید برامون بگین؟!

به نام خدا محمد رضا تازه رو هستم از استان سیستان و بلوچستان شهرستان ایرانشهر بنده در رشته قوی ترین مردان با حاصل کار شیش دوره نایب قهرمانی ایران یک قهرمانی مشترک ایران و سومی جهان، درحال انجام وظیفه هستم.

چی شد که به این رشته اومدین، درواقع چه چیزی باعث شد به این رشته علاقه مند بشید و در این رشته شروع به فعالیت کنید!؟

من از سال ۸۲ که به باشگاه آقای بیجارزهی(باشگاه حمید) اومدم، امکانات اینجا به صورتی بود که رشته های مختلف؛ بدنسازی، پاور لیفتینگ و قوی ترین مردان فراهم بود.

من الان حدود ۲۰ سال هست که در باشگاه آقای بیجارزهی ورزش می کنم اینم بگم که ایشون زحمات زیادی برای من کشیدند، شروع فعالیتم از سال ۸۲ در رشته بدنسازی به صورت آماتور بود بعدش سال ۸۳ و ۸۴ تا سال ۹۰ وارد رشته پاور لیفتینگ شدم که نتیجه اش هم یک نایب قهرمانی کشور و حدود ۶۰ قهرمانی استان شد.

از سال ۹۰ رشته قوی ترین مردان شروع کردم که در استان و شرق کشور و قهرمانی کشور مقام آوردم.

از سال ۹۴ که چهارم ایران شدم استارت مسابقات حرفه ایی که تو ایران برگزار می‌شد به صورت جدی زدیم.

اولا اینکه بگم این ورزش خیلی ورزش سختیه،هم از لحاظ تغذیه و همین از لحاظ تمرینات طاقت فرسای که داره ولی خب خدا رو شکر اینجا مربی های خوبی داریم در سطح ایرانشهر آقای ستار آتش افروز هستند تو رشته های دیگه آقای پرویز پور هستند که خودشون قهرمان جهان هستند در تمرینات هوازی آقای اژدری هستند که مربی فوتبال هم هستند و توی قوی ترین مردان من هستم آقای دوست کام و آقای خالق سپاهی هستند که زحمات زیادی برای ما کشیدند.

و اینم بگم که هر کی تو این رشته میخاد بیاد اول باید جیب پر پولی داشته باشه وصبر تحمل زیادی مردم ایرانشهر و ورزشکاران ایرانشهر واقعا استعداد خوبی تو

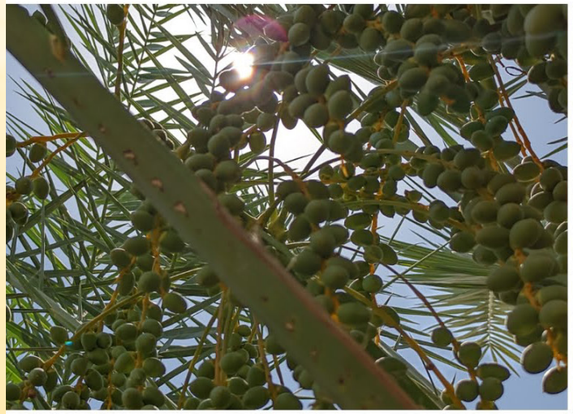
سخن سردبیر

سعید سهرابی

آنان که دغدغه فرهنگی و اجتماعی دارند، از تاثیرپذیری جامعه از این نوع کارهای داوطلبانه در پیشبرد مسائل مختلف روز جامعه ما آگاه هستند، نشریه رودرآتک به منظور برداشت گامی موثر در جهت توسعه و همچنین ارائه راهکارهای مثمر ثمر در جهت بهبود مشکلات و کمبود مشارکت دانشجویان برای فعالیت‌های فرهنگی در بخش‌های مختلف دانشگاه شروع بکار کرده است؛ و پاسداشت ارزش‌ها و سنت‌های قوم بلوچ برای ترویج بیشتر این فرهنگ و زبان را وظیفه خود دانسته‌ایم.

امروز نشریه رودرآتک با دانشجویان متعهد، دغدغه‌مند و آگاه نسبت به اهمیت موضوع زبان بلوچی، حفظ و پایداری آن در این مسیر قدم برداشته است.

در پایان کمال تشکر و قدردانی را از جناب آقای دکتر محمودزهی به دلیل حمایت‌های بی‌بدیل ایشان در شکل‌گیری این نشریه را داریم. امید است با استعانت از درگاه خداوند متعال و بهره‌گیری از همه توانمندی و تجربه در جهت تحقق اهداف نشریه موفق ظاهر شویم.












انواع خوراک خرما

محبوبه اثرکار

خرمای پاتی: ابتدا یک ظرفی بنام «پات» از برگ درخت پُرْک درست می‌کنند و آنگاه خرمایی را که با پا له کرده‌اند، با فشار در داخل آن قرار می دهند. این نوع خرما چندان مرغوب نیست زیرا گرد و خاک و حشرات از داخل درز و شکافهای پات به داخل نفوذ می کنند.

خرمای خُنبی: خُنب در واقع همان خمره است خرما را به دو صورت در داخل خُنب قرار می دهند یا خرما را ساده و بدون پیرایه، با فشار در داخل خُنب قرار می دهند و یا اینکه آن را با شیره‌ای که قبلاً از میوه خرما گرفته اند و کَنجد و پوچینک، در داخل خُنب قرار می دهند. این نوع خرما بسیار مرغوب است و معمولاً خرمای مضافتی را بدین صورت نگاهداری می کنند.

خرمای هینزکی: هینزک همان پوست بز است که چربی آن را کنار میزنند و آن را نمک سود و دبّاغی کرده و خشک می کنند و معمولاً خرمای مضافتی را که قبلاً با پا له کرده اند .در داخل آن قرار می دهند این نوع خرما نیز مرغوب است.

خرمای مَلَبی: در این روش خرمای مضافتی یا انواع دیگر را بدون اینکه له کنند، در داخل ملب می چینند.

لَده: خوشه مضافتی را قبل از آنکه بطور صد درصد برسد، از درخت می‌برند، هر دانه را نصف کرده و هسته آن را بیرون می آورند. آنگاه ریسمانی را از داخل سوراخ میوه ها عبور داده و آنها را به برج خانه ها آویزان می کنند تا خشک شوند و بعداً آنها را مصرف می‌کنند.

کَتُّک: مثل لده است با این تفاوت که میوه مضافتی را بصورت طولی می برند و هسته اش را بیرون نمی آورند و آنها را روی حصیری، در معرض تابش خورشید .قرار می دهند و بعد از خشک شدن می خورند.

هارگ: خوشه مضافتی را قبل از رسیدن کامل، از درخت می برند، میوه را از خوشه جدا کرده و در داخل دیگ بزرگی می جوشانند بعد از پخته شدن آنها را در معرض خورشید می‌گذارند تا کاملاً خشک شوند. معمولاً هارگها را در زمستان می خورند.

چانگال: ابتدا نان ضخیم و قطوری را بصورت نیمه پخته درست می کنند که بی نمک است سپس خرما را آنقدر با دست می مالند تا خوب نرم شود. آنگاه نان گرم را روی خرمای نرم شده می گذارند و با دست نان و خرما را بطور کامل با هم مخلوط می کنند و مقداری روغن را با ازگند سرخ کرده و با خرما مخلوط .می کنند که غذای بسیار لذیذی درست می‌شود.

شیرگ: که از جوشاندن طولانی مدت خرمای رسیده بدست می آید واز آن حلوای محلی نیز درست می کنند و به جای مربا از آن هم استفاده می کنند.

معادل بلوچی ماه‌های سال

زینب قادری







بهار	تابستان	پاییز	زمستان
فروردین آمال	تیر بردات	مهر مِهرَجان	دی گوهْر
اردیبهشت پُلّان	مرداد لِوار	آبان ایرَهتْ	بهمن گوریچْ
خرداد وردات	شهریور هامین	آذر تاک رِچ	اسفند نودان

آمال: جمع آمل؛ واژه‌ای عربی به معنای آرزو و امید

پُلّان: شکوفه

لِوار: بادگرمی که در تابستان می‌وزد

هامین: فصل خرما

ایرَهتْ: پایان فصل یک میوه

تاک رِچ: ریزش برگ درختان

گوهْر: سرد

گوریچْ: باد سردی که در زمستان می‌وزد

نودان: جمع نُود؛ تکه ابر

معادل بلوچی روزهای هفته

نازنین شیرانی

شنبه	یک‌شنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنج‌شنبه	جمعه
گنجی	جَتّی	مولُم	سوب	ساکِم	شیکِر	آدینَگ

باگین بشکرد

احمد ملازئی (سربازی)

باگیں بشکرد»ءِ شئیر، بلوچی لبزانکءِ پجارتکگیں شئیراں یکّےاے شئیرءَ ملا ابراهیم حسن راسکی ، که بلوچی لبزانکءِ دومی دورءِ مزنیں شائرانں یکے بوتگ پربستگ اے شئیرءِ کسّہ اے وڑءَ اِنت که سردار سیدهان ناروئی(شئیرانی)(که مکرانءِ بهرےءِ هاکم بوتگ) چه بشکردءِ جنگاں یکےءَ که نامئی فاطمه بوتگ نکاه کنت.

بازیں کارانی سَوَبءَ پیسر چه آئی که تهتءِ سرا بندیت آروسیءِ جژنءَ په دگه برے کِلّیت ءُ په وتی مهیءَ(سرءَ) رؤتسپر دراج‌کش بیتءُ پی سالےءَ روتُّ رسیت. سردار اے گپءَ شموشیتءُ بے هال کنت. چه آ دیم فاطمه چه اے دراج‌کشیں وهدءُ موسمءِ گوزگءَ باز دل نگران بیتءُ پی کُلو(کُله-پیگام یے په ملا ابراهیمءَ دیم دنت که منی فاطمهءِ دل نگرانیءَ شئیرءِ وڑءُ پیمءَ په سردارءَ سر بکن.

ملا ابراهیم اے کلوءَ شئیرءِ وڑءَ په شرّی په سردارءَ سرکنت. اے شئیرءِ وڑءُ ڈول رودکی سمرقندیءِ «بوی جوی مولیان» وڑءَانت. سردار هنچو که اے شئیرءَ اشکنت هما دمان دیم په بشکردءَ رهادَگ بیت. مزنیں جژنے گرآنتءُ سردار سیدهان گوں فاطمهءَ هور بنت گوش آنت اے شئیرءَ اولی رندءَ پهلوان ملاعبدالحیمءَ سردلءِ دیما ونتگ. ءُ گوشانت هم ملاابراهیم ے شئیرءِ پربندوکءُ هنچوش ملا عبدالرحیم اے شئیرءِ گوشنه چه سردارءِ نیمگءَ بازیں ٹیکی‌یے گرانت بشکردءِ زید، سردار سیدهانءِ اسپءِ رئوکی، بانوک فاطمهءِ .شررنگی، تهتءُ شیوعءُ گدءُ پچانی تاریپ په شرّی شیرءِ تها گندگ بنت.

منظومه یا شعر «باگین بشکرد» یکی از منظومه‌های شناخته شده ادبیات بلوچی است این اثر توسط ملا ابراهیم فرزند حسن از باشندگان راسک، شاعر معروفی از دوره دوم شعر در ادبیات بلوچی سروده شده است. داستان منظومه چنان است که سردار سیدخان نارویی (هاکم بخشی از مَکُران) دختری به نام فاطمه را از منطقه بَشکرد به عقد خود در می‌آورد.

وی به خاطر مشغولیت‌های فراوان، مراسم عروسی را به فرصتی در آینده موکول می‌کند و راه سفر به چابهار را در پیش می‌گیرد. مدت سفر تا حد یک سال به درازا می‌کشد و سردار تقریباً مراسم عروسی را به فراموشی می‌سپارد. همسر عقد شده‌ی او از این تأخیر سخت نگران می‌شود و به ملاّ ابراهیم پیام می‌دهد که نگرانی او را در قالب منظومه‌ای به اطلاع سردار برساند.

ملاّ ابراهیم این مأموریت را به درستی با سرودن منظومه به انجام می‌رساند. این شعر مضمونی شبیه به «بوی جوی مولیان»، سروده رودکی، دارد. سردار به محض شنیدن شعر، راه بشکرد را در پیش می‌گیرد و مراسم عروسی وی با فاطمه در باشکوه‌ترین حالت به سرانجام می‌رسد. بنابر روایات، اولین بار پهلوانی به نام «مُلاّ عبدالرحیم» این شعر را در حضور سردار خوانندگی کرد. گفته شده که هم سراینده و هم خواننده به خاطر آن از سردار انعام دریافت کرده‌اند. در این شعر اوصاف شاعرانه درباره طبیعت بشکرد، توان و شکوه و سرعت اسب سردار سیدخان، زیبایی و درایت نامزد سردار سیدخان، زیورآلات و لباس‌های عروسی به حد کمال دیده می‌شود. اصل شعر دارای ۱۴۳ بند است که تعدادی از آنها را برایتان در این مطلب آورده‌ایم.

موقعیت جغرافیایی و زیست محیطی شهرستان سرباز

نگین رئیسی

شهرستان سرباز به مرکزیت شهر کلات در جنوب استان سیستان وبلوچستان واقع است. این شهرستان از شمال به شهرستان سراوان وایرانشهر واز طرف شرق به کشور پاکستان با حدود ۱۲۰ کیلو متر خشکی، از جنوب به .شهرستان چابهار واز غرب به نیکشهر محدود می گردد.

شهرستان سرباز یکی ازقدیمیترین مناطق بزرگ بلوچستان ومقر تمدنهای بزرگی درادوار مختلف بوده است. تنوع آب وهوایی درمنطقه باعث شده میوه های متنوع مانند خرما ،خربزه درختی، موز، کنار، انبه، چیکو، گوواوا و انواع مرکبات از قبیل لیمو، پرتقال، نارنگی و... کاشت شود. سرباز به دلیل سرسبز بودن و وجود دره و رودخانه پرآب به طول ۳۱۳کیلومتر، زیستگاه انواع ماهی‌ها و تمساح پوزه کوتاه ایرانی است.

درتمام فصول سال وتولیدمحصولات خاص مناطق قاره ای و تولید محصولات مهمی چون انبه ،خربزهدرختی (پپیا)، چیکو، زیتون محلی ، خرما وانواع مرکبات شده است. آب و هوای شهرستان سرباز در تابستان گرم و خشک و در بعضی از ماههای سال به علت تاثیر بادهای موسمی با رطوبت (شرجی) و در زمستان معتدل است و بادهای باران آور موسمی در فصل تابستان بصورت رگبارهای شدید وگاهی سیل آسا و بادهای باران‌آور غربی در فصل زمستان در این منطقه موجب ریزش پراکنده باران می‌شوند.

متوسط بارندگی این منطقه ۹۰میلی متردرسال است که درچند سال اخیر (۶سال) به کمتراز۱۵میلی متر رسیده است که این خشکسالی بی‌سابقه بخش عظیمی از کشاورزی را نابود وحتی در بعضی مناطق موجبات مهاجرت اجباری مردم رافراهم نموده است.



رودخانه سرباز که از به هم پیوستن شاخه های فرعی سرکور، هنسانوچ، گویمرک،کیشکور و پشامگ، جژان شکل گرفته و در منطقه دشتیاری به رودخانه باهوکلات تغییرنام می‌دهد و به دریای عمان منتهی می‌شود. دیگر رودخانه آن آشار است که با پیوستن به رودخانه نهنگ از مسیر پاکستان و درنزدیکی گوادر به دریای عمان می ریزد. بیشتر آبادیهای شهرستان بصورت طولی دردوطرف رودخانه ودر پای کوهها شکل گرفته‌اند.

سرباز بزرگترین رودخانه فصلی بلوچستان محسوب می شود که دربعضی از قسمتهای مسیرخود بصورت دائمی می باشد. زندگی تمساح پوزه کوتاه دراین رودخانه براهمیت آن افزوده واحداث بزرگترین سد استان بر روی این رودخانه درنزدیکی پیشین درصورت رفع معضل خشکسالی چشم اندازروشنی دارد.

وجود آب وهوای گرم ومرطوب باعث رونق کشاورزی

جی سَمین سَر کَن کوکُری شَنزان
لال و یاکوت و لؤلؤان درَنزان
.....
ٹیھُر و ماتکوھی شمُے کِنزان
باگین بَشگردا ایر دَئییت دَنزان
یَک دَمے جوانین رحمتان تیزگَن
کوٹ و ماڈی و کلّاں گُلریز کَن

برگرفته ازکتاب ادبیات و زبان بلوچی اثر دکتر موسی محمودزهی، ص ۲۱۵





شهرستان سربازِ جغرافیائیءُ زیست محیطی هالَت

احمد ملازئی (سربازی)

سربازِ شهرستان کہ آئی بُنجاہ کلاتِانت، سیستانءُ بلوچستانءِ نَمبیانی نیمگءَانت. اے شهرستان چہ گوریچان(شمال)ءِ نیمگءَ گوں سراوان هنوگ مِهرستان)ءُ ایرانشهر شهرستاناں ءُ رودرآتکی نیمگءَ گو پاکستان اندازه) ۱۲۰ کیلومترءَ زِربار بزاں نمبیانءِ نیمگءَ گوں چهبار شهرستان. (هنوگ راسک شهرستانءَ اَمساهگءِانتءُ سیمسراِش ڈُکّتَگ).

سربازِ شهرستان چہ بلوچستانءِ کوهنیءُ مزنیں جاگاهانِانت سربازِ گوَست مزنیں تمدنانی بُنجاہ بوتگ. سرباز گوں وڑوڑیں موسمان هر پیمین نیبگ اوران هستءِانت، چنچو کہ هُرماگءُ ناہ - دارتیجگ-موز-کُنر-انب چکوءُ گوواواءُ مرکبات. بزان لیمبو، پرتکال، نارنگیءُ... رُدیتءُ نیبگ دنت.

سرباز سرسبزیں ملکےءُ سربازِ کور کہ گیشتریں وهدءُ موسمءَ آئیءَ آپ مانِانتءُ دراجیئی ۳۱۳ کیلومترِانت رنگ پہ رنگیں ماهیگءُ یک زات گانڈوے اے آپءَ مانِانت.سربازِ کور گوں دگہ چُنت کستریں کورانی هوریءَ جوان بوتگ چوش کہ سرکور-حنسانوچ-گویمرک-جزّان-کیشکورءُ پشامگءُ اے کور دشتیاریءِ هدّءَ نام ئی بدل بیتءُ پہ باهوکلاتءِ کورءَ هم زانگ بیتءُ پہ عمانءِ زرءَ سربیت.

دگہ کورے آشارءِ کورِانت کہ گوں نهنگءَ هور بیتءُ گوادرءِ نزدیکاں عمانءِ زرءَ روتءُ سربیت. سربازِ گیشتریں شهرءُ ملکاں پہ دراجی .سربازِ کورءِ اے دیمءُ آدیمءَ کوه دیماں هستءَانت گہتر پجّارگءُ زانگ بیت. بلوچستانءِ مستریں بندءُ سد همئے کورءِ سرا بندگ بوتگ کہ پیشنءِ نزدیکءَانت. اگاں ڈکال مہبیت امیتءِانت سرباز وشیں روچانے بہگندایت.گرمءُ ونمبیایں آپءُ هوا سَوَبءَ سال دوازدهیں ماهان اے مُلک (کِشتءُ کِشار بیتءُ گرمین ملکانی وڑوڑیں نیبگ چوش کہ انب-دارتیجگ(پپیا, چَکو، مُلکی زیتون، هُرماگءُ ناہ وڑوڑیں مرکبات اے هَندءَ ردیتءُ بردنت.

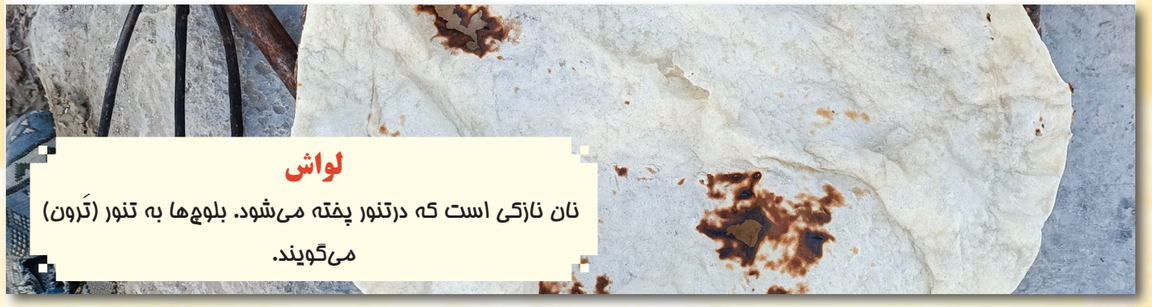
سربازِ آپءُ هوا گرماگءَ هشکیں گرمی یے سال لهتی ماهاں، نمبیایں گواتءِ اَسُرءَ سک نمب بیت. زمستانءَ هوا سک وشءِانت.رومیننـدی هور آروکیں گواتاں گرماگءُ هامینءِ موسمءَ ترندین رگامءُ دْرَدءَ امراهءِانتءُ برے برے مزنیں لهڑءُ توپان هم بیت. زمستانءُ سردیانی موسمءَ هم هور بیت. اے هندءَ الےءَ ۹۰ میلی‌متر هور گواریت، بلے اے ششیں سالان ۱۵ میلی‌متر گیش هور نہ بوتگ کہ مزنیں ڈکالےءِانتءُ و گیشتریں کشتءُ کشاری کارءُ بار هراب بوتگءَانت.

.اِشی سَوَب بوتگ کہ مُلکءِ مردم وتی ملکءَ یلہ بکنءَانتءُ دراں ڈیهہ بہبنت.



انواع نان در بلوچستان

نگین رئیسی



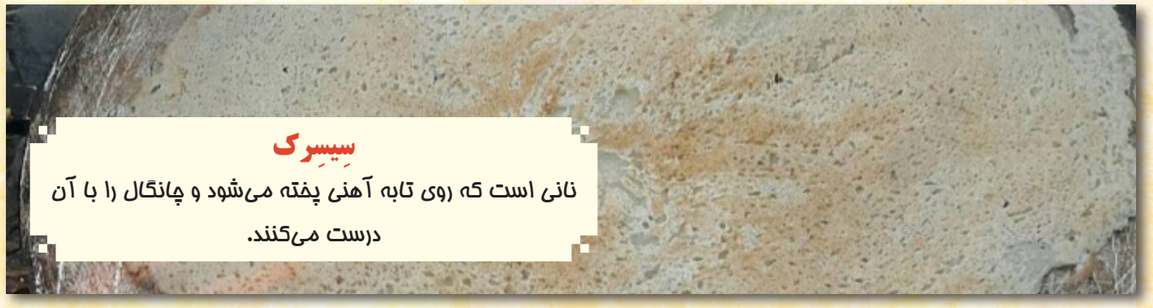
لواش

نان نازکی است که درتنور پخته می‌شود. بلوچها به تنور (تَرون) می‌گویند.



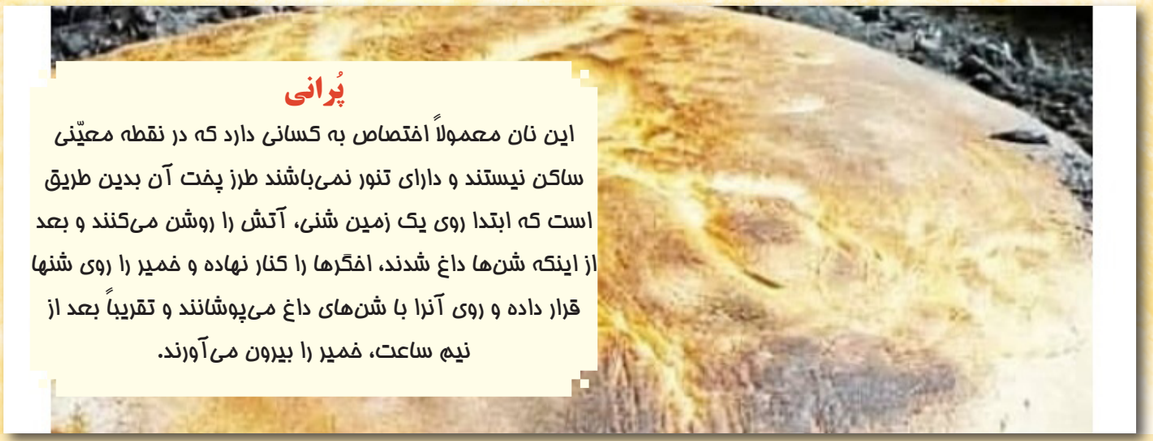
خمیر

مثل نان لواش است با این تفاوت که اندکی ضخیم‌تر بوده و در تنور پخته می‌شود و معمولاً ترش است.



سِیسِرک

نانی است که روی تابه آهنی پخته می‌شود و چانگال را با آن درست می‌کنند.



پُرانی

این نان معمولاً اختصاص به کسانی دارد که در نقطه معیّنی ساکن نیستند و دارای تنور نمی‌باشند طرز پخت آن بدین طریق است که ابتدا روی یک زمین شنی، آتش را روشن می‌کنند و بعد از اینکه شن‌ها داغ شدند، اخگرها را کنار نهاده و خمیر را روی شنها قرار داده و روی آنرا با شن‌های داغ می‌پوشانند و تقریباً بعد از نیم ساعت، خمیر را بیرون می‌آورند.

قلعه ناصری ایرانشهر

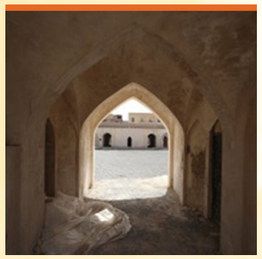
نگین رئیسی



از کوه‌های مریخی گرفته تا شهر سوخته، جاهای دیدنی استان سیستان و بلوچستان هر گردشگری را غافل‌گیر می‌کند. تفاوتی ندارد که طبیعت‌گرد باشید یا علاقه‌مند به تاریخ، برای هر سلیقه‌ای در این استان پهناور جاذبه‌ای نهفته وجود دارد. یکی از این نمونه‌ها، قلعه ناصری ایرانشهر است.قلعه ناصری ایرانشهر به فرمان ناصرالدین شاه قاجار و توسط استاد حسین معمارباشی کرمانی ساخته شده است. پس از گذر سال‌های بسیار، دیوارهای استوار قلعه همچنان در دل شهر استوار هستند و نگاه‌های بسیاری را مجذوب خود می‌کنند. قلعه ناصری از مهم‌ترین جاهای دیدنی .ایرانشهر به شمار می‌آید و در مرکز شهر واقع شده است.

قدمت این بنای تاریخی به دوره قاجار بازمی‌گردد. هرچند فضاهای داخلی قلعه مانند گذشته نیستند و بخش زیادی از آن‌ها تخریب شده‌اند؛ همچنان قلعه ناصری مانند نگینی در میان شهر می‌درخشد. این بنای ارزشمند .تاریخی در سال ۱۳۷۵ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیدقلعه ناصری به‌دلیل ناتوانی دولت قاجار در اواخر حکومت این سلسله و اوایل دوره پهلوی، به‌وسیله دوست محمد خان بارکزاییاز حاکمان قدرتمند وقت بلوچستان) تصاحب شد و با نام قلعه) دوست محمدخان شهرت یافت. با به قدرت رسیدن رضاخان و استقرار حکومت مرکزی، سپاه دولتی رضاخان پهلوی به فرماندهی تیمسار .امان الله جهانبانی، این قلعه را تصرف کرد.

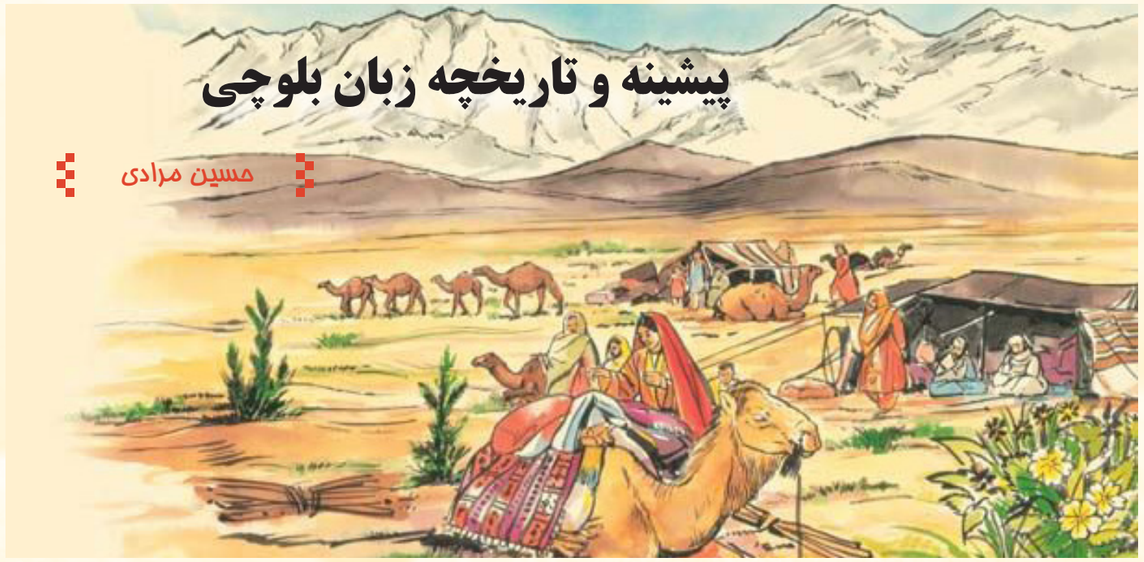








قدمت این بنای تاریخی به دوره قاجار بازمی‌گردد. هرچند فضاهای داخلی قلعه مانند گذشته نیستند و بخش زیادی از آن‌ها تخریب شده‌اند؛ همچنان قلعه ناصری مانند نگینی در میان شهر می‌درخشد. این بنای ارزشمند .تاریخی در سال ۱۳۷۵ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید قلعه ناصری به‌دلیل ناتوانی دولت قاجار در اواخر حکومت این سلسله و اوایل دوره پهلوی، به‌وسیله دوست محمد خان بارکزاییاز حاکمان قدرتمند وقت بلوچستان) تصاحب شد و با نام قلعه) دوست محمدخان شهرت یافت. با به قدرت رسیدن رضاخان و استقرار حکومت مرکزی، سپاه دولتی رضاخان پهلوی به فرماندهی تیمسار .امان الله جهانبانی، این قلعه را تصرف کرد.



پیشینه و تاریخچه زبان بلوچی

حسین مرادی

زبان بلوچی به عنوان عضوی از زبان‌های ایرانی، یکی از زبان‌های زنده و شناخته شده‌ی جهان امروز است. چنان که غالب کتاب‌هایی که از مجموعه زبان های جهان بحثی به میان آورده اند،بلوچی را در فهرست خود گنجانده‌اند. قابل یادآوری است که قوم ایرانی بلوچ و به پیروی از آن زبانش، طی قرون و هزاره ها،تحولات و حوادث تاریخی گوناگون به خود دیده، اما تا امروز در مقابل تمام حوادث دوام آورده وبرجای مانده است.

به درستی معلوم نیست که زبان بلوچی چه زمان از پیکره‌ی اصلی زبان‌های ایرانی جدا شده و استقلال یافته است. آنچه روشن‌تر است اینکه تاریخ حیات این زبان به تاریخ قوم بلوچ وابسته است و با احتمال قریب به یقین، می‌توان فرض کرد که این زبان همیشه به عنوان یک زبان زنده، زبان مردم قوم بلوچ بوده است.

بدیهی است که بلوچ زبانان از کهن‌ترین دوران استقلال زبان بلوچی از زبانهای ایرانی، دارای ادبیات خاص خود بوده‌اند. اما به سبب عدم وجود مستندات از دوران دور زبان و ادبیات بلوچی، نمی توان هیچ نظر قطعی علمی از آن دوران ارائه داد.

کهن‌ترین مستندات از خاطرات تاریخی وفرهنگی بلوچ ها که به آنها می‌توان نام «مستندات ادبی» نیز داد، اشعاری شبه حماسی مربوط به رویدادهایی از حدود ۵۰۰ سال پیش است.

زبان بلوچی یکی از اعضای شناخته شده‌ی زبان های ایرانی است. برای سهولت در بحث و بررسی زبان‌های ایرانی، زبان‌شناسان این زبان‌ها را از نظر جغرافیایی، ابتدا به دو گروه شرقی و غربی و سپس هر کدام را در دسته‌ی شمالی وجنوبی جای می‌دهند.از نظر تاریخی، عمدتا سه دوره برای زبان های ایرانی در نظر گرفته می‌شود. این سه دوره عبارتند از:

۱-باستان ۲- میانه ۳- نو

در این رده بندی‌ها،«بلوچی» در دسته زبان های ایرانی نو شمال-غربی جای میگیرد. همان دسته‌ای که زبان‌هایی مانند پارتی، کردی و گیلکی هم در آن جای می‌گیرند. مطابق این رده بندی، زبان‌های پارتی، کردی و گیلکی از نزدیک‌ترین خویشاوندان بلوچی محسوب می‌شوند.

از زبان بلوچی فقط از دوره‌ی نو منابع مکتوب وجود دارد. قدمت کهن‌ترین منابع مکتوب به زبان بلوچی به حدود دو قرن می‌رسد. به همین دلیل اطلاعاتی از دوران کهن‌تر این زبان (بلوچی باستانه و میانه)در دست نیست.

قدیمی‌ترین دست نوشته‌های بلوچی که تاکنون باقی مانده اند، احتمالا مربوط به اوایل قرن نوزدهم میلادی هستند.

بلوچی از طریق گروه زبان‌های ایرانی، به شاخه ی زبان های هند و ایرانی(=آریایی) و از آن جا به خانواده‌ی فرضی زبان‌های هند و اروپایی می‌پیوندد.

بلوچها خود از اواسط قرن بیستم میلادی به تحقیق و نگارش در زبان و ادبیات خویش پرداختند و آثار ادبی نسبتاً قابل توجهی را گردآوری، چاپ و منتشر کردند.



هَلَکاری

خمیر را به چانه‌های کوچک تقسیم کرده و آن را با غلطک مخصوصی بنام «بیلَد» نازک می‌کنند، آنگاه روغن را در داخل یک دیگ کوچک سرَخ کرده و چانه‌ها را در داخل آن قرار می‌دهند. معمولاً نان خوشمزه ای است.



دوتینّی

طرز پخت آن بدین صورت است که دو چانه را بطور جداگانه پهن کرده و روی هر کدام را روغن می‌مالند. آنگاه هر دو را روی هم نهاده، پهن می‌کنند و روی تابه‌ای که مقداری روغن روی آن مالیده‌اند، قرار می‌دهند، تا پخته شود.



تیمّوش

خمیر را معمولاً به صورت آبکی در می‌آورند. آنگاه مقداری از این خمیر را با دست روی تابه آهنی پهن می‌کنند و نان خشک و نازکی درست می‌شود.



معرفی‌نامه محمد دین دشتی

سعید سهرابی

موسس و بنیانگذار موسسه آهنگ بلوچ

عضو فعال انجمن ادبی شهرستان ایرانشهر

عضو فعال انجمن موسیقی شهرستان ایرانشهر

داور سه دوره جشنواره تئاتر استانی

دریافت بیش از ده دیپلم افتخار

محمد دین دشتی تهیه کننده و کارگردان مطرح استان، که سریال‌های شنبل و شاهی، پیران زمانگ و کارگردانی تئاترهای حمل جیَّند کلمَتی، آرش کمانگیر و ... را بر عهده داشته است، در ادامه بیوگرافی این هنرمند. و فعال فرهنگی استان را خواهیم خواند.

محمددین دشتی متولد ۱۳۵۸ در روستای کندز شهرستان سرباز چشم به جهان گشود. مقاطع تحصیلی ابتدایی راهنمایی و دبیرستان را در شهرستان ایرانشهر گذراند. از سال۱۳۷۲ فعالیت خود را در زمینه فرهنگی هنری (هنر نمایش) با تشکیل گروه نمایشی آهنگ بلوچ آغاز کرد کارشناس روابط عمومی حرفه ای از دانشگاه فرهنگ و هنر زاهدان می‌باشد.

حضور مستمر در فعالیت‌های فرهنگی هنری اجتماعی به عنوان تهیه کننده کارگردان بازیگر خبرنگار مشاور و مجری حوزه فعالیت‌های جوانان سازمان‌های مردم نهاد برگزاری همایش‌ها و جشنواره‌های امور فرهنگی روابط عمومی در استان سیستان و بلوچستان داشته‌اند و جوایز و عناوین متعددی از جشنواره‌های ملی و بین المللی در حوزه نمایش دریافت نموده‌اند.





آبشار اوگینک

نگین رئیسی

در بین تمامی شهرستان‌های استان سیستان وبلوچستان شهرستان نیکشهر را باید سرزمین ناشناخته تاریخی دانست. شهرستان نیکشهر از جاذبه‌های طبیعی فراوانی برخوردار است که یکی از آن جاذبه آبشار اوگینک می‌باشد.آبشار اوگینک که با نام گر پشت نیز در میان مردم محلی شناخته می‌شود، مرتفع‌ترین آبشار استان سیستان و بلوچستان می‌باشد، و ارتفاعی حدود ۸۰ متر دارد. بهار زیبای این منطقه، آن را به مکان محبوب علاقمندان به کوهنوردی تبدیل کرده است. اوگینک در تابستان از اقلیم گرم و خشک و در زمستان از آب و هوای معتدلی برخوردار است. از مناطق دیگر گردشگری شهرستان نیکشهر می‌توان به منطقه گردشگری گرگان نیکشهر اشاره کرد که در ۶۰ کیلومتری شمال نیکشهر قرار دارد.

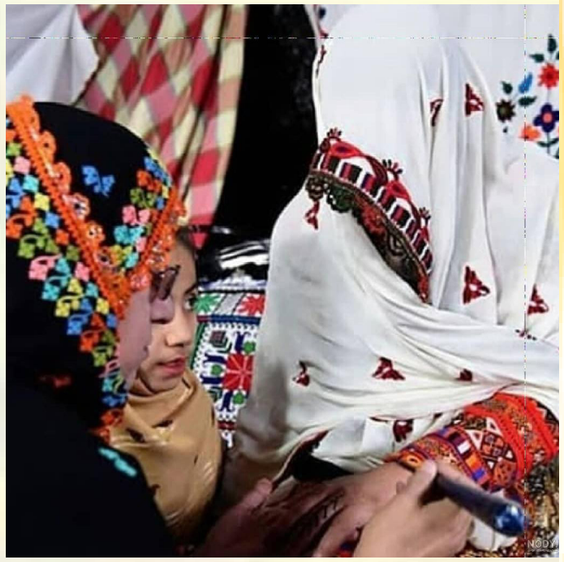


شب زن‌های فامیل داماد، پیش عروس می روند و دست دیگر عروس که حنا نشده را حنا می بندند و پس از آن نیز زن های فامیل عروس، پیش داماد می‌روند و دست دیگر او را که حنا نشده، حنا می‌بندند.

سرآپی و مشاطه:

روز پایانی مخصوص آماده سازی داماد و عروس است. آماده سازی داماد که به سرآپی مشهور است به این صورت است که اقوام داماد او را به سر چشمه یا موتور آب می‌برند و پس از آن که داماد به کمک یکی از مردها استحمام کرد لباس نو می‌پوشد و به اتفاق مردم به سوی خانه پدر عروس حرکت می کنند. و در طول مسیر نیز با خواندن اشعار محلی مخصوص عروسی به رقص و پایکوبی می‌پردازند.

در همین حین عروس نیز توسط آرایشگر در حال آماده شدن است (که در اصطلاح بلوچی به آن مشاطه می‌گویند.)



یَک جاه:

پس از آن که داماد و همراهانش به خانه پدر عروس رسیدند، پس از پذیرایی، یکی از محارم عروس (پدر، پدربزرگ، برادر، دایی و یا عمو) داماد را نزد عروس می برد و رسم اینگونه است که سرهای آن دو را به هم می‌زند و دست عروس را در دست داماد می‌گذارد و بدین صورت زندگی مشترکشان آغاز می‌شود.

مبارک بائی:

تا دو شبانه روز داماد و عروس در خانه پدر عروس می‌مانند و در این دو روز اقوام نزدیک عروس و داماد جهت تبریک ازدواج به همراه هدایایی پیش آنها می‌آیند که این رسم به مبارک بائی معروف است.

پس از آن دو روز داماد و عروس به خانه پدر داماد می‌روند و پدر داماد برای آنها جشن کوچکی می‌گیرد و چند روز در آنجا می‌مانند. و در صورتی که خانه جدا داشته باشند پس از آن به خانه خودشان می‌روند و در غیر این صورت تا زمان مهیا شدن خانه، در خانه پدر داماد می‌مانند.



آداب و رسوم ازدواج در بلوچستان

عبدالوهاب بامری



رسوم ازدواج در بلوچستان بسیار زیاد می‌باشند به طوری که میتوان ساعت‌ها درباره آنها صحبت کرد و کتاب نوشت و همچنین در جاهای مختلف ممکن است رسوم متفاوتی داشته باشند اما در اینجا سعی بر آن شده تا قسمت های مهم و قابل توجه و رایج در اکثر مناطق بلوچ نشین آورده شود.

خواستگاری:

همانگونه که مراسم ازدواج در اکثر جوامع با خواستگاری شروع می‌شود، بلوچستان نیز از این قاعده مستثنی نیست. پس از آشنایی خانواده‌ها با یکدیگر، یک روز برای مراسم خواستگاری تعیین و داماد به همراه خانواده‌اش و هدایایی برای عروس، به خانه‌ی پدر عروس می‌روند و پس از صحبت کردن درباره امر مقدس ازدواج، دختر را از پدرش خاستگاری می‌کنند و پس از موافقت پدر و دختر مراسم خواستگاری به انجام می‌رسد که در زبان بلوچی به آن "نام گِپت و نِشانَگ" می‌گویند.

پس از فراهم شدن شرایط ازدواج و با توافق دو خانواده یک تاریخ جهت مراسم عقد و ازدواج تعیین می‌گردد که در بعضی موارد مراسم عقد و جشن ازدواج با هم و در بعضی موارد ابتدا مراسم عقد و پس از مدتی جشن ازدواج صورت می‌پذیرد.

بِجّاری:

از آنجایی که تمامی خرج و مخارج جشن عروسی بر عهده خانواده داماد است در میان قوم بلوچ رسمی تحت عنوان "بِجّاری" وجود دارد که در واقع کمکی از طرف آشنایان و اقوام در حد وسع توان خود به خانواده داماد از قبیل دادن گاو، گوسفند، شتر، پول نقد، مواد غذایی و ... می‌باشد.

مراسم عقد (نکامی) و حلقه : در تاریخی که قبلا خانواده‌ها مشخص کرده اند، مراسمی با حضور اقوام عروس و داماد در خانه ی پدر عروس برگزار می شود. در همین حین که زن‌ها، عروس را برای مراسم حلقه دست دادن آماده می‌کنند، مردها در مسجد محله و یا در خانه پدر عروس گرد هم می‌آیند تا درباره مهریه صحبت کنند. به این گردهمایی در بلوچی "دیوان" گفته می‌شود. در دیوان با توجه به اینکه هیچ زنی حضور ندارد، عروس یک نفر از مردهای فامیل را به عنوان وکیل خود تعیین می‌کند

تا در این مراسم از طرف او صحبت کند (معمولا پدر، پدربزرگ، برادر، دایی و یا عموی دختر).

در دیوان ابتدا بحث مهریه مطرح (البته قبل از آن دو خانواده درباره مهریه صحبت کرده و به توافق اولیه رسیده اند.) و با مشخص شدن مهریه نهایی، خطبه عقد خوانده می شود و پس از آن رسم بر این است که داماد از جای خود بلند شده و با دست دادن به بزرگان حاضر در جمع، تعهد و پایبندی خود را به این امر مقدس اعلام دارد. و سپس وکیل عروس، داماد را نزد عروس برده و در مراسمی که توسط زن ها تدارک دیده شده عروس و داماد حلقه‌ها را در دست هم می‌دهند.

رسم وَنتوکی:

چند روز قبل از شروع جشن ازدواج، چند نفر از زن‌های فامیل به خانه همسایه‌ها و اقوام رفته و آنها را به جشن دعوت می‌دهند. و جدای از اینها چند نفر از مردان فامیل نیز دعوت‌نامه جشن را بین اهالی محله و اقوام پخش می‌کنند.

نکته مهم: در گذشته جشن ازدواج در میان قوم بلوچ هفت شبانه روز بوده که امروزه به دلیل شرایط بد اقتصادی و معیشتی حاکم در کشور به سه شبانه روز کاهش پیدا کرده و در هر شب مراسم خاص خودش وجود دارد.

رسم جُل بَندی:

اگر جشن ازدواج را سه شبانه روز در نظر بگیریم، رسم جل‌بندی در روز اول آن است. جل پرده‌ای تزئین شده است که از طرف مادر داماد به خانواده عروس داده می‌شود و آن را در یکی از اتاق‌ها نصب می‌کنند و عروس در مدت جشن پشت آن می‌ماند و در صورت ضرورت که از آن خارج می‌شود نیز نقاب بر صورت دارد تا کسی چهره او را نبیند و اولین کسی که چهره او را پس از این سه روز می‌بیند داماد باشد.

پس از جل‌بندی طی مراسمی لباس‌ها و وسایل اهدا شده به عروس از طرف داماد و خانواده عروس، برای عموم نمایش داده می شود. (این مراسم کاملا زنانه است و در آن مردها حضور ندارند.)

حِنّا دُزّوکی:

در شب اول اقوام و آشنایان نزدیک دور هم جمع شده



و مراسم حنابندان مختصری برگزار می‌کنند. (هر کدام از خانواده های عروس و داماد به صورت جداگانه)

حِنّا راستوکی:

شب دوم که شب اصلی جشن می‌باشد به حِنّا راستوکی معروف است که در آن پس از پذیرایی و خوردن شام، حنا بندان اصلی انجام می شود که در آن ابتدا یکی از دست های عروس و داماد حنا بسته می شود و مهمانان به عروس و داماد هدایای نقدی (حِنّایی) می دهند و تا صبح به جشن و رقص و پایکوبی می‌پردازند.

البته ناگفته نماند که این مراسمات برای هر کدام از عروس و داماد به طور جداگانه در خانه و محله خودشان برگزار می‌شود.

پس از حنا بستن یک دست عروس و داماد، در نیمه های

